

پیوند عاشورا با نگاه اجتماعی، سیاسی و اصلاحی امام خمینی

□ شاه مخلص الرحمان (دبیرکل انجمن آسیایی صوفیه بنگلادش)

□ مترجم: ملیحه گودرزی

اولین ماه از تقویم هجری محرم نام دارد و دهمین روز آن عاشورا ماه محرم و بالاخص روز عاشورا، نزد مسلمانان بسیار مقدس و گرامی است. عاشورا روزی ماندگار در تاریخ جهان است. عاشورا، سر منشأ بسیاری از انقلاب‌ها، تحولات و فراز و نشیب‌ها در تاریخ جهان است. از این رو، این روز از اهمیت والایی نزد امت مسلمان و بشریت در کل برخوردار است. این روز بزرگ، با ضربتی سخت و تکان‌دهنده رویاهای افراد بی دین و دغلباز و سران خودکامه را درهم کوبید. اما از سویی دیگر، همچون آتشی شعله‌ور، روشنگر راه مجاهدان پارسا، صدیق و نستوه راه خداست. در این ماه «محرم» از حضرت امام حسین (ع) خواستند تسلیم بی چون و چرای سپاه یزید و مطیع و فرمانبردار خواسته‌های او گردد. اما، رهبر شکست‌ناپذیر و نستوه اسلام و حقیقت، با میثاقی استوار پرچم اسلام را برای همیشه برافراشت، پرچم عدل در برابر ظلم، حق در مقابل باطل، مذهب علیه لامذهبی و اینگونه اسلامی را که به دست جد بزرگوارش بنا نهاده شده بود از انحراف

به سوی ظلمت و تاریکی در آینده رهایی بخشید.

امام حسین (ع) در سرزمین کربلا، تجسمی بی‌نظیر از صبر و پایداری پایان‌پذیر و از خودگذشتگی است. دیدن اعضای خانواده‌اش در آستانه مرگ از تشنگی و گرسنگی، خللی در اراده وی وارد نساخت. شهادت سوزناک فرزند شیرخوارش او را سست نکرد. شهادت حضرت قاسم رشید، برادرزاده و دامادش در لباس دامادی او را از اجرای وظایفش باز نداشت.

در سرزمین کربلا در دهم محرم، سپاهیان ددمنش یزید، سمبل کفر و باطل، در یک سمت قرار داشتند، و در سوی دیگر تنها خاندان حضرت امام حسین (ع) آماده برای نثار جانهایشان در راه احیای حقیقت. حضرت امام حسین (ع) با ضربت خنجر شآن بن انس (شمر) شراب نوشین شهادت را نوشید. امام (ع) به بهای خون تمام خاندانش، حاضر به بیعت با یزید دشمن اسلام نشد. لذا پیروزی حق بر باطل را بنا نهاد. در شعری چنین آمده است که «اسلام پس از هر کربلا زنده می‌شود».

شهادت به دو گونه است: «شهادت سرّی» و «شهادت ظاهری». شهادت در خفا با توطئه دشمن، مثلاً با خوردن سم را شهادت سرّی، و شهادت به دست دشمن در میدان مبارزه در راه خدا برای حق و عدالت را شهادت ظاهری می‌گویند. خداوند قادر، با شهادت سرّی به امام حسن (ع) و با شهادت ظاهری به امام حسین (ع) عزت بخشید.

ادوار گییون در کتاب مشهور خود با نام «انحطاط و زوال امپراطوری روم» می‌نویسد: «با گذشت سالهای متمادی، صحنه جانسوز مرگ حسین، احساس همدردی سردترین و بی‌احساس ترین خواننده را نیز برمی‌انگیزد.»

تاریخ نشان می‌دهد که وقایع جانگداز کربلا در سالهای پس از آن همواره «نمادی از بایستگی و پایداری در مسیر» برای مسلمانان بوده است. امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلابی، از آرمانها و از خودگذشتگی‌های حضرت امام حسین (ع) الهام گرفت. وی توانست با مبارزه‌ای بی‌امان و با تقدیم شهدای بی‌شمار، به سلطنت مستبد شاهنشاهی پایان دهد و تحولات و دگرگونی‌ها را در ایران آغاز نماید.

امام خمینی نه تنها به عنوان رهبر مذهبی ایران، بلکه با روشنگری‌هایی که در میان مسلمانان سراسر جهان انجام داد به سرعت به عنوان رهبر و امام مورد اقبال کل امت اسلام قرار گرفت. قبل و بعد از انقلاب اسلامی، ملت ایران با درس آموزی از عاشورا در غلبه و پیروزی بر نامالیقات ذیل نیرو و قوت گرفتند.

۱- آنها تحت سلطه جبارانه شاه سابق بودند، فردی فاسق و منافق همچون یزید که تبعیت محض ملت را می‌طلبد و به خیال خود می‌خواست اسلام ساخته و پرداخته خود را تحمیل کند.

۲- پس از سقوط شاه، نیروهای کفر دست به دست هم دادند و صدام حسین منافق را به جنگ با جمهوری اسلامی تحریک کردند. محاصره‌های متعددی علیه ایران صورت گرفت و مؤمنین ایران خود را در انزوای جهانی یافتند و از نظر مایحتاج اساسی همچون شرایط حاکم در کربلا، در مضیقه قرار گرفتند.

۳- علاوه بر آن، در داخل کشور نیز دشمنان اسلام «شهادت سَری» بسیاری را مرتکب شدند. تحت چنین شرایطی هر رهبر دیگری برای منافع کوتاه مدت و ظاهری مردمش تسلیم می‌شد، سازش می‌کرد و یا دست نیاز به سوی دیگران دراز می‌کرد.

اما امام خمینی دست نیاز به سوی هیچ کس دراز نکرد و تسلیم نشد. علیرغم انزوای کامل جهانی، وی فقط و فقط از الله یاری طلبید. شهادت حضرت امام حسین (ع) به ایشان آموخت که مرگ بهتر از سازش با فاسق است.

این درس از عاشورا که حق باید به هر قیمتی پاس داشته شود و در نهایت بر کفر فائق آید، یک اصل راهبردی در شکل‌دهی خط‌مشی‌های اجتماعی، سیاسی و اصلاحی پس از انقلاب بوده است.

خداوند قادر، مسلمانان را به این آیه رهنمون می‌سازد که «واعتصمو بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا». از این مطلب چنین استنباط می‌شود که امام حسین (ع) به امت واحد مسلمان با رهبریت یک رهبر اسلامی حقیقی ایمان داشته است. امام خمینی نیز به منظور رفع اختلافات بی‌اهمیت و جزئی ناشی از جهل بین جوامع اسلامی، هر ساله هفته‌ای را با عنوان هفته وحدت بین همه فرق

اسلامی معرفی فرمودند جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که علیرغم تلاشهای دشمنان اسلام برای صدمه زدن به آن، بر پایه قرآن و سنت اداره می‌شود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ درخشش نوری بود در تاریکی در آن روز؛ عمر شب تاریک به پایان رسیده بود.

انقلاب اسلامی تاریخی حضرت امام خمینی را می‌توان به زمین لرزه‌ای شدید تشبیه نمود. انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی از احساسات آتشین ناسیونالیستی سرچشمه نمی‌گرفت، بلکه او آزادی و رهایی کل بشریت را نشانه گرفته بود. او همچون کوهی استوار در راه عقیده و خط مشی خود ایستاد و هرگز در مقابل هیچکس مگر خداوند قادر سر فرود نیاورد.

از جمله اقداماتی که با الهام از امام صورت پذیرفت تشکیل «جهاد [سازندگی]» بود، گروهی متشکل از دانش آموزان و معلمان مدرسه و دانشجویان و اساتید دانشکده‌ها و دانشگاهها. همچنین، با بهره‌گیری از سرمایه موجود در «بنیاد پهلوی» که از دارایی‌های بلوکه شد و شرکتهای توقیف شده خانواده سلطنتی بدست آمده بود، بنیادی به نام «بنیاد مستضعفین» با هدف کمک به قشر آسیب دیده شکل گرفت. به علاوه، برای رفاه حال خانواده شهداء «بنیاد شهدا» تأسیس شد و «بنیاد انقلابی جانبازان» نیز به منظور ارائه خدمات درمانی و رفاهی به انقلابیون جانباز بنا نهاده شد. حضرت امام خمینی براساس قوانین اسلامی، حقوق و جایگاه زنان را در جامعه تضمین نمود. زنان نیز با پیروی از حجاب اسلامی با مشارکت در امور برای ساختن کشور، دعوت امام را لبیک گفتند. این مسئله رویدادی مهم در تاریخ ایران به شمار می‌رود.

«نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» این شعار انقلابی، یکی از دستاوردهای خارق‌العاده حضرت امام خمینی بود. این شعار در دل ابرقدرتهای شیطنی جهان رعب و وحشت می‌افکند. توطئه‌چینی‌ها، بمباران، محاصره‌های اقتصادی و هیچ چیز دیگری، ذره‌ای در مواضع امام سستی وارد نکرد. امام هر ضربه‌ای را کوبنده پاسخ گفت. پس از پیروزی انقلاب چنین اعلام نمود که «تا زمانی که کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله در سراسر جهان طنین افکن نگردد، نبردها ادامه خواهد داشت. هر جا نبرد مظلومی علیه ظالمی باشد ما در آنجا حاضر خواهیم بود.»

واقعه روز عاشورا نشان می‌دهد که یک رهبر اسلامی تا سر حد اطمینان از پایبندی مسلمین

به اصول و مبانی اسلام حقیقی که هرگز هیچ گزندی به آن وارد نشود، موظف است به جهاد و تلاش خود ادامه دهد. با چنین انگیزش و باوری، تحت رهبری حضرت امام خمینی تصمیم شجاعانه‌ای اتخاذ گردید؛ اینکه در زمان غیبت امام دوازدهم، جامعه اسلامی باید تحت نظر «ولایت فقیه اسلامی» اداره گردد.

حضرت امام خمینی پرچمداری بود که با برافراشتن پرچم «لا اله الا الله محمد رسول الله» همچون اجدادش توانست صدای اسلام ناب حضرت محمد(ص) را در سراسر جهان طنین افکن کند. او عزت از دست رفته مسلمین را که مورد توهین‌ها و بیدادگری‌ها بودند، احیا نمود و پرده از خوی و روش غیر انسانی شرق و غرب برداشت. او نور امید در دل‌های محرومین و ستمدیدگان بود.

یک کشور اسلامی باید دستورات و قوانین الهی را در جهان به اجرا در آورد. فعالیت‌های ایران، در همین راستا تحت رهبری حضرت امام خمینی آغاز گردید؛ کشوری با دولتی برخاسته از مردم که این حقیقت را سرمشق خود قرار داد که حاکمیت تنها از آن رب العالمین است. رهبر یا ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است.

همانگونه که گفته شد نبرد کربلا اساساً نبردی مابین هواداران اسلام حقیقی و فاسقین بود. لذا تشخیص و استقرار و ارزش‌های حقیقی اسلامی، همواره یکی از اهداف رهروان رسول گرامی(ص) بوده است. امام خمینی نیز به همین صورت و بر همین اساس، خط مشی و مبانی اجتماعی، سیاسی و اصلاحی خود را شکل داد. افکار مکتب غرب از نظام علوم اجتماعی در مراکز تحصیلی برکنده شد. برای کاستن از نفوذ فرهنگ غربی در جامعه ایرانی اقداماتی صورت پذیرفت. تعاریف غربی از دموکراسی دور ریخته شد و نقش آفرینی و حضور ملت در دولت براساس نظام اسلامی تضمین گردید.

از سرآغاز تاریخ، همواره نبردی مستمر بین حق و باطل در جریان بوده است. برخی مدافعان حقیقت (اسلام) در این راه، ایثار و از خود گذشتگی‌های فراوانی نموده‌اند.

حدود ۱۴۰۰ سال پیش، نواده حضرت محمد(ص)، رسول گرامی اسلام، حضرت امام

حسین (ع) اثری بی نظیر و بی همتا از خود در تاریخ بر جای نهاد. روز عاشورا یادآور شهادت پرافتخار او و پیروزی اسلام است.

در عصر حاضر نیز امام خمینی با الهام از پیام و روح عاشورا، نبردی پیروزمندانه علیه قوای شیطانی و پلید را آغاز نمود و قوانین الهی را در ایران مستقر ساخت. و در این اثنا، انسان از بندگی انسان رهایی یافت.

انقلاب اسلامی ایران با گشودن چشمهای مظلومین، رعب و وحشت به دل‌های حکام ظالم جهانی انداخت.

امام خمینی فرمود: اسلام عامل اصلی وحشت استعمارگران شرق و غرب جهان است، زیرا اسلام چنان قدرتی است که قادر است مسلمانان جهان را تحت پرچم توحید متحد سازد. تنها اسلام می‌تواند دستهای جنایتکاران جهانی و عمال جور آنها را از جوامع اسلامی کوتاه کند. تنها اسلام می‌تواند یک فلسفه و نگرش الهی و رفیع را پیشروی جهان قرار دهد.

امام خمینی همچنین فرمود: ما مأمور به انجام وظیفه هستیم، آن چنان که باری تعالی از ما می‌خواهد و نتیجه هر چه باشد، پیروزی در این جهان یا جهان دیگر در ید قدرت اوست.

همچنین فرمود: قرآن مجید برای ایجاد وحدت و یکپارچگی میان مسلمین، امر می‌کند به وحدت میان مردم و ائمه بزرگوار. اصولاً، دعوت به اسلام دعوت به وحدت است. و تأکید کرد: افراد فتنه‌انگیز در برخی کشورهای اسلامی، نزاع بین «شیعه» و «سنی» به راه انداخته‌اند، و حال آنکه آنها نه شیعه هستند و نه سنی؛ بلکه آنها دست‌نشانده‌های امپریالیسم هستند و می‌خواهند کشورهای مسلمان را از اطراف ما پراکنده سازند.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که مسلمین تحت لوای اسلام متحد گردند و در راه خدا جهاد کنند.